



بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## دو گفتار در بدهاء



تدوین، ترجمه و تعلیقات:

سید علی بنی صدر

انتشارات چتر دانش

۱۳۹۳



سرشناسه	بنی‌صدر، سیدعلی، ۱۳۶۵ -
عنوان و نام پدیدآور	دو گفتار در بداء
مشخصات نشر	تهران: چتر دانش، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	۷۷ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۷۳۱۶-۵۹-۷
وضعیت فهرست نویسی	فیبای مختصر
یادداشت	این مدرک در آدرس <a href="http://opac.nlai.ir">http://opac.nlai.ir</a> قابل دسترسی است.
شماره کتابشناسی ملی	۳۷۲۶۹۲۴



نام کتاب	دو گفتار در بداء
ناشر	چتر دانش
تدوین، ترجمه و تعلیقات	سید علی بنی صدر
صفحه آرایبی	شهرام خلخالی
نوبت و سال چاپ	اول- ۱۳۹۳
لیتوگرافی	سازمان چاپ گل آذین
چاپ و صحافی	سازمان چاپ گل آذین
شمارگان	۱۰۰۰
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۷۳۱۶-۵۹-۷
قیمت	۴۰۰۰ تومان

مرکز پخش: تهران - خیابان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - کوچه نوروژ - پلاک ۱۳

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۷۸۹۱۵ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۸۹۰۵۹

پست الکترونیک: [nashr.chatr@gmail.com](mailto:nashr.chatr@gmail.com)

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.



كَانَ عَلِيٌّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَقُولُ:  
لَوْلَا آيَةٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ لَخَدَّثْتُكُمْ بِمَا كَانَ وَبِمَا يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ،  
فَقُلْتُ لَهُ: آيَةُ آيَةٍ؟ قَالَ:  
قَالَ اللَّهُ: «يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ».

امام سجاد عليه السلام می فرمود:  
اگر نبود آیه ای در کتاب خدا حتماً برای شما می گفتم آنچه را بوده و هست تا روز قیامت  
[راوی گوید] پس به ایشان عرض کردم کدام آیه؟ فرمود:  
خداوند متعال فرمود: «یَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ»

تفسیر عیاشی: ج ۲ / ص ۲۱۵.

## فہرست

گفتار اول: مناظرہ امام رضا <small>علیہ السلام</small> با سلیمان مروزی.....	۶
گفتار دوم: رسالہ ہدایۃ الوری فی شرح البداء تالیف مرحوم آیۃ اللہ سید محمد حسین مدرس کھنگی.....	۴۷
مقدمہ استاد سید علی مدرس کھنگی (نجل مؤلف).....	۴۸
مقدمہ مؤلف.....	۵۲
بذاء لغۃ و عرفاً.....	۵۴
<b>فصل اول</b> .....	۵۵
اما آیات.....	۵۵
اما اخبار بذاء.....	۵۶
حدیث اول.....	۵۶
حدیث دوم.....	۵۶
حدیث سوم.....	۵۷
حدیث چہارم.....	۵۷
حدیث پنجم.....	۵۷
اما دلیل عقل.....	۵۸
<b>فصل دوم</b> .....	۶۰
تاثیر کواکب و افلاک.....	۶۱
<b>فصل سوم</b> .....	۶۵
[امر نخست].....	۶۵
<b>فصل چہارم: فرق میان بذاء و نسخ</b> .....	۷۰
کتابنامہ.....	۷۲

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على خير خلقه محمد و آله الطاهرين . شکر به درگاه حضرت شارع مقدس، آن علیم حکیم علی الاطلاق که با ارسال رسل و انزال کتب و تشریح احکام، بندگان را سعادت حرکت در مسیر تقرب به خود عنایت فرمود؛ و نیز شاکریم آن لطیف کریم را که به ما، توفیق پیروی از ختم رسل، سرور کائنات، رحمة للعالمین محمد مصطفی ﷺ و سیدالاصیاء، امیرالمومنین و امام المتقین، علی بن ابیطالب (علیه السلام) و اولاد معصومین (علیهم السلام) ایشان، مرحمت نمود. همچنین به درگاه آن خبیر بصیر، شکری بی پایان عرضه می کنیم، بدان سبب که ما را در زمره ارادتمندان و خادمین بضعة خاتم المرسلین، ام ابیها، صدیقه کبری، فاطمه زهرا (علیها السلام) قرار داد. و از آن قادر متعال مسئلت داریم که با تعجیل در فرج مولانا حضرت ابوالصالح المهدی چشمان منتظر را روشن گرداند.

اما کتاب حاضر، در بردارنده دو گفتار در خصوص مساله بدهاء می باشد. گفتار اول مناظره وجود مبارک حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) با سلیمان مروزی بوده و گفتار دوم نیز کتاب هدایة الوری فی شرح البدهاء مرحوم مدرس کهنگی می باشد.

اما سبب گردآوری این مجموعه آن است که چندی پیش جناب آقای سید علی مدرس (نوه مرحوم سید محمد حسین صاحب رساله هدایة الوری) برای بازنشر این رساله ابراز تمایل فرمودند. از ایشان اجازه خواستم تا در کنار انتشار رساله مذکور، مناظره حضرت رضا (علیه السلام) با سلیمان مروزی و ترجمه آن را که متضمن مطالبی پیرامون مساله بدهاء می باشد نیز درج نموده و نکاتی را که برای فهم بهتر و تکمیل متن رساله لازم است، اعمال نمایم. البته مطالب اضافه شده، در قلاب [ ] قرار گرفته است تا از متن اصلی مولف قابل تشخیص باشد.

همچنین در مواردی که در خصوص بعضی از مطالب مناظره یا رساله، بحث مرتبطی در میان آثار علمای شیعه یافتیم و یا آنکه نکته ای را از جانب خویش شایسته تذکر دانستیم در پاورقی ها درج نمودم. متن رساله هدایة الوری برگرفته از کتابی است که تحت همین عنوان در سال ۱۳۷۷ ه. ق. با مقدمه و ترجمه عماد الدین حسین اصفهانی منتشر گردیده است. علیرغم تحقیقاتی که به عمل آمد روشن نشد که این رساله به عربی نگاشته شده و سپس توسط جناب عماد اصفهانی ترجمه گردیده و یا اینکه اساساً به زبان فارسی بوده است. به هر ترتیب آنچه در این کتاب می آید عیناً همان متن منتشره توسط نامبرده می باشد.

از تمام دانشجویان و اساتید و دانش پژوهان گرامی استعنا می نمایم که پس از مطالعه این کتاب، نظرات عالمانه خود را انتقال دهند تا در صورت لزوم در چاپ های بعدی اشکالات و ایرادات احتمالی، مرتفع گشته و قابلیت بهرمندی از این مجموعه، بیش از گذشته، برای مخاطبان فراهم شود. از خداوند متعال خواهانم که این مجموعه را وسیله یی سودمند در جهت نشر معارف اهل بیت (علیهم السلام) برای طالبان و جویندگان علوم اسلامی، قراردهد؛ ان شاء الله تبارک و تعالی.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

سید علی بنی صدر

صفر المظفر ۱۴۳۶ - طهران



**گفتار اول**  
مناظره امام رضا علیه السلام با سلیمان مروزی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِالِإِسْتِادِ الْمُتَقَدِّمِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ النَّوْفَلِيِّ قَالَ قَدِمَ سَلِيمَانُ الْمَرْوَزِيُّ  
مُتَكَلِّمُ خُرَّاسَانَ عَلَى الْمَأْمُونِ فَأَكْرَمَهُ وَوَصَلَهُ ثُمَّ قَالَ لَهُ إِنَّ ابْنَ عَمِّي عَلِيَّ  
بْنَ مُوسَى قَدِمَ عَلَيَّ مِنَ الْحِجَازِ وَهُوَ يُحِبُّ الْكَلَامَ وَأَصْحَابَهُ فَلَا عَلَيْكَ أَنْ  
تَصِيرَ إِلَيْنَا يَوْمَ التَّرْوِيَةِ لِمَنَاظَرَتِهِ فَقَالَ سَلِيمَانُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي أَكْرَهُ أَنْ  
أَسْأَلَ مِثْلَهُ فِي مَجْلِسِكَ فِي جَمَاعَةٍ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ فَيَنْتَقِصَ عِنْدَ الْقَوْمِ إِذَا  
كَلَّمَنِي وَ لَا يَجُوزُ الْإِسْتِقْصَاءُ عَلَيْهِ قَالَ الْمَأْمُونُ إِنَّمَا وَجَّهْتُ إِلَيْكَ لِمَعْرِفَتِي  
بِقُوَّتِكَ وَ لَيْسَ مُرَادِي إِلَّا أَنْ تَقْطَعَهُ عَنْ حُجَّةٍ وَاحِدَةٍ فَقَالَ سَلِيمَانُ  
حَسْبُكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَجْمَعَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ وَ خَلْنِي وَ الدَّمَّ

سلیمان مروزی، متکلم خراسان بر مامون وارد شد و مامون او را مورد اکرام  
قرار داده و به وی هدیه ای عطا نمود؛ سپس به او گفت پسر عمویم  
علی بن موسی علیه السلام از حجاز بر من وارد شده و او علم کلام و متکلمین  
را دوست دارد. بد نیست که روز ترویبه [یعنی هشتم ذی الحجه] برای  
مناظره با وی به سوی من آیی. سلیمان گفت: یا امیرالمومنین برای  
من ناخوشایند است که در مجلس تو که جمعی از بنی هاشم در آنند  
از همچون وی سوال کنم و چون سخن بگویم در نزد حاضران نقض  
گردد و [بنابراین گمان می‌کنم] کنجکاوی نسبت به علی بن موسی  
علیه السلام درست نیست. مامون گفت: من به تو رو آوردم از جهت اطلاع از  
توانمندی تو و مقصودی جز این ندارم که علی بن موسی علیه السلام را فقط در  
یک حجت علمی متوقف و قطع نمایی. سلیمان گفت: هر آنچه نظر شما  
باشد یا امیرالمومنین؛ من و او را در کنار هم آورو مرا با مذمت واگذار

فَوَجَّهَ الْمَأْمُونُ إِلَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ إِنَّهُ قَدْ قَدِمَ عَلَيْنَا رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ مَرَوْ وَهُوَ  
 وَاحِدٌ خُرَّاسَانٍ مِنْ أَصْحَابِ الْكَلَامِ فَإِنْ خَفَّ عَلَيْكَ أَنْ تَتَجَشَّمَ الْمَصِيرَ إِلَيْنَا  
 فَعَلَتْ فَتَهَضَّ إِلَيْنَا لِلْوُضُوءِ وَ قَالَ لَنَا تَقَدَّمُونِي وَ عِمْرَانُ الصَّابِيُّ مَعَنَا فَمَرَرْنَا  
 إِلَى الْبَابِ فَأَخَذَ يَأْسِرُ وَ خَالِدٌ بِيَدِي فَأَدْخَلَانِي عَلَى الْمَأْمُونِ فَلَمَّا سَلَّمْتُ قَالَ  
 أَيُّنَ أَخِي أَبُو الْحَسَنِ أَبَقَاهُ اللَّهُ قُلْتُ خَلَفْتُهُ يَلْبَسُ ثِيَابَهُ وَ أَمَرَنَا أَنْ نَتَقَدَّمَ  
 ثُمَّ قُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّ عِمْرَانَ مَوْلَاكَ مَعِيَ وَ هُوَ بِالْبَابِ فَقَالَ مَنْ  
 عِمْرَانُ قُلْتُ الصَّابِيُّ الَّذِي أَسَلَّمَ عَلَيَّ يَدِيكَ قَالَ فَلْيَدْخُلْ فَدَخَلَ فَرَحَّبَ  
 بِهِ الْمَأْمُونُ ثُمَّ قَالَ لَهُ يَا عِمْرَانُ لَمْ تَمُتْ حَتَّى صِرْتَ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ قَالَ  
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَنِي بِكُمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

مامون به امام رضا علیه السلام رو آورد و گفت مردی از اهالی مرو بر ما وارد  
 شده و او یگانه خراسان در میان متکلمین است. پس اگر به سوی ما  
 آمدن بر شما آسان است چنین کنید. پس امام علیه السلام برای وضو گرفتن  
 برخاستند و به ما فرمودند که زودتر از من به سوی مامون حرکت کنید.  
 عمران صابی نیز همراه ما بود. چون به در خانه مامون رسیدیم یاسر و  
 خالد دست مرا گرفتند به نزد مامون بردند. پس هنگامی که بر مامون  
 سلام کردم گفت برادرم ابوالحسن [امام رضا علیه السلام] که خداوند پایدارش  
 بدارد، کجاست؟ گفتم ایشان را واگذاردم تا لباسشان را بپوشند؛ امام  
علیه السلام به ما دستور دادند که زودتر بیاییم. سپس گفتم: یا امیرالمومنین!  
 عمران مولای شما همراه من است و اینک در کنار در ایستاده است.  
 مامون گفت کدام عمران را می‌گویید؟ گفتم عمران صابی را می‌گویم  
 که بر دست شما ایمان آورد. گفت پس وارد شود. پس وارد شد و مامون  
 به وی خوشامد گفت سپس به وی گفت: ای عمران نمردی تا از بنی  
 هاشم شدی. عمران پاسخ داد: سپاس خدایی را که مرا به واسطه شما  
 شرافت داد ای امیرالمومنین.





فَقَالَ لَهُ الْمَأْمُونُ يَا عِمْرَانُ هَذَا سَلِيمَانُ هَذَا الْمَرْوَزِيُّ مُتَكَلِّمُ خُرَاسَانَ قَالَ عِمْرَانُ  
 يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّهُ يَزْعُمُ أَنَّهُ وَاحِدُ خُرَاسَانَ فِي النَّظَرِ وَ يَنْكِرُ الْبَدَاءَ قَالَ  
 فَلِمَ لَا تَتَاطَرُهُ قَالَ عِمْرَانُ ذَاكَ إِلَيْهِ فَدَخَلَ الرَّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَقَالَ فِي أَيِّ شَيْءٍ  
 كُنْتُمْ قَالَ عِمْرَانُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ هَذَا سَلِيمَانُ الْمَرْوَزِيُّ فَقَالَ سَلِيمَانُ أ  
 تَرْضَى بِأَيِّ الْحَسَنِ وَ بِقَوْلِهِ فِيهِ قَالَ عِمْرَانُ قَدْ رَضِيتُ بِقَوْلِ أَبِي الْحَسَنِ  
 فِي الْبَدَاءِ عَلَى أَنْ يَأْتِيَنِي فِيهِ بِحُجَّةٍ أَحْتَجُّ بِهَا عَلَى نَظْرَائِي مِنْ أَهْلِ النَّظَرِ  
 پس مامون به وی گفت ای عمران این سلیمان مروزی، متکلم خراسان  
 است. عمران گفت ای امیرالمومنین او می‌پندارد یگانه خراسان در  
 اظهارنظر است در حالی که بداء را انکار می‌کند. مامون گفت: پس  
 چرا با او مناظره نمی‌کنی؟ عمران گفت: با اوست [اگر سلیمان بخوهد  
 مناظره می‌کنم]. پس امام رضا (علیه السلام) وارد شدند و فرمودند: در چه  
 موردی سخن می‌گویید؟ عمران گفت: ای پسر رسول خدا این سلیمان  
 مروزی است. پس سلیمان گفت: آیا به امام رضا (علیه السلام) و به سخن ایشان  
 در این مساله رضایت می‌دهی؟ عمران گفت: به سخن امام رضا (علیه السلام)  
 در مساله بداء راضیم بر اینکه برایم دلیلی بیاورد که با آن احتجاج نمایم  
 بر امثال خودم از اهل نظر

قَالَ الْمَأْمُونُ يَا أَبَا الْحَسَنِ مَا تَقُولُ فِيمَا تَشَاجَرَا فِيهِ قَالَ وَ مَا أَنْكَرْتَ مِنْ  
 الْبَدَاءِ يَا سَلِيمَانُ وَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ «أَوْ لَا يَذُكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَا خَلَقْنَاهُ  
 مِنْ قَبْلُ وَ لَمْ يَكُ شَيْئاً»<sup>۱</sup> وَ يَقُولُ عَزَّ وَ جَلَّ «وَ هُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ  
 يُعِيدُهُ»<sup>۲</sup> وَ يَقُولُ «بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ»<sup>۳</sup> وَ يَقُولُ عَزَّ وَ جَلَّ «يَزِيدُ

۱- مریم: ۶۷

۲- روم: ۲۷

۳- بقره: ۱۱۷

فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ<sup>۱</sup> « وَ يَقُولُ « وَ بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ<sup>۲</sup> » وَ يَقُولُ عَزَّ وَ جَلَّ « وَ آخَرُونَ مُرْجُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَ إِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ<sup>۳</sup> » وَ يَقُولُ عَزَّ وَ جَلَّ « وَ مَا يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَ لَا يُنْقَصُ مِنْ عُمْرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ<sup>۴</sup> »

مامون گفت: ای ابالحسن در مساله ای که این دو در آن مشاجره می کنند چه می گویی؟ امام (علیه السلام) فرمودند: ای سلیمان چه چیز از بداء را انکار نمودی در حالی که خداوند عز و جل می فرماید: «آیا انسان به خاطر نمی آورد که ما پیش از این او را آفریدیم در حالی که چیزی نبود؟!» و نیز خداوند عزوجل می فرماید: «او کسی است که آفرینش را آغاز می کند سپس آن را باز می گرداند و می فرماید: «هستی بخش آسمانها و زمین است» و خداوند عزوجل می فرماید: «او هر چه بخواهد در آفرینش می افزاید». و می فرماید: «آفرینش انسان را از گل آغاز کرد» و خداوند عزوجل می فرماید: «و گروهی دیگر به فرمان خدا واگذار شده اند (و کارشان با خداست) یا آنها را مجازات می کند و یا توبه آنان را می پذیرد» و خداوند عزوجل می فرماید: «هیچ کس عمر طولانی نمی کند یا از عمرش کاسته نمی شود مگر اینکه در کتاب خدا ثبت است».

قَالَ سَلِيمَانُ هَلْ رُؤِيَتْ فِيهِ عَنْ آبَائِكَ شَيْئاً قَالَ نَعَمْ رُؤِيَتْ عَنْ أَبِي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عِلْمِينَ عِلْمًا مَخْرُوجًا مَكْنُونًا لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ مِنْ ذَلِكَ يَكُونُ الْبَدَاءُ وَ عِلْمًا عِلْمَهُ مَلَائِكَتُهُ وَ رُسُلُهُ فَالْعُلَمَاءُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ يَعْلَمُونَهُ

۱- فاطر: ۱

۲- سجده: ۷

۳- توبه: ۱۰۶

۴- فاطر: ۱۱